

نقش انقلاب اسلامی در رشد و تحول روان‌شناسی اسلامی

The Role of the Islamic Revolution in the Growth and Transformation of Islamic Psychology

Mohammad Sadegh Shojaei¹

محمد صادق شجاعی^۱

Abstract

This study was conducted with the aim of examining the role of the Islamic Revolution in the growth and advancement of Islamic psychology. The research employed a descriptive-analytical method. To this end, the historical background and the development of Islamic psychology in other countries were first reviewed. In fact, the origins of Islamic psychology can be traced back to the 1960s and 1970s, particularly to the movement of Islamization of the humanities in Pakistan, Egypt, and Malaysia. Nevertheless, the role of the Islamic Revolution in the growth and transformation of Islamic psychology has been remarkably significant. In this study, the impact of the Islamic Revolution on Islamic psychology was categorized into five dimensions: motivational, supportive/facilitative, educational, content production, and international. Furthermore, theoretical activities and orientations related to Islamic psychology since the beginning of the Revolution were analyzed, and ultimately six distinct stages were identified along with the primary concerns of researchers in each stage.

Keywords: Islamic Revolution, Islamic psychology, culture-oriented psychology, Islamization of the humanities.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش انقلاب اسلامی در رشد و پیشرفت روان‌شناسی اسلامی انجام شده است. روش به کار رفته در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی بود؛ بدین منظور، نخست زمینه‌های تاریخی و پیشینه روان‌شناسی اسلامی در دیگر کشورها بررسی شد. در واقع پژوهش پیشینه روان‌شناسی اسلامی به دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ میلادی و روند اسلامی‌سازی علوم انسانی در پاکستان، مصر و مالزی برمی‌گردد؛ با وجود این، نقش انقلاب اسلامی در رشد و تحول روان‌شناسی اسلامی بسیار چشمگیر بوده است. در این پژوهش نقش انقلاب اسلامی بر روان‌شناسی اسلامی در پنج محور انگیزشی، حمایتی/تسهیل‌گر، آموزش، تولید محتوا و بین‌المللی دسته‌بندی شده است؛ همچنین فعالیت‌ها و جهت‌گیری‌های نظری در ارتباط با روان‌شناسی اسلامی از ابتدای انقلاب اسلامی تحلیل و بررسی گردید و سرانجام شش مرحله از هم متمایز و دغدغه اصلی پژوهشگران در هر مرحله مشخص شد.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، روان‌شناسی اسلامی، روان‌شناسی فرهنگ‌محور، اسلامی‌سازی علوم انسانی

1. Assistant Professor, International Research Institute of Al-Mustafa International University, Qom, Iran. psyalmustafa@gmail.com

Received: May 24, 2025

Accepted: August 27, 2025

۱. استادیار پژوهشگاه بین‌المللی جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران. psyalmustafa@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۲۵

مقدمه و بیان مسئله

به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران فرهنگ غرب اثر مستقیمی بر نظریه‌ها و مکاتب روان‌شناسی داشته است (ازوما^۱، ۱۹۸۴؛ مادسین^۲، ۲۰۱۴). مهم‌ترین ویژگی فرهنگ غربی فردگرایی است (چیونگ^۳، ۲۰۲۱). تحت تأثیر فرهنگ فردگرایی غربی، نظریه‌های روان‌شناختی عمدتاً برای توصیف، تبیین، پیش‌بینی و کنترل رفتار فرد تدوین و عرضه شده است (دویری^۴، ۲۰۰۶). افرادی که در فرهنگ غربی تربیت می‌شوند بیشتر با ویژگی‌هایی چون جاه‌طلبی، استقلال، اعتماد به نفس، پرخاشگری، رقابت‌جویی و احساس خودکارآمدی بالا شناخته می‌شوند، ولی در فرهنگ‌های شرقی و ازجمله فرهنگ اسلامی که جمع‌گرا هستند افراد به یکدیگر وابسته‌اند؛ چنان‌که امکانات خود را با یکدیگر تقسیم کرده، تمایل به هماهنگ‌سازی با دیگران دارند و نیازهای آنها را بر نیازهای خود ترجیح می‌دهند (تریاندیس^۵، ۲۰۰۱؛ کان و اوسرمان، ۲۰۰۱؛ ایرلی^۶، ۱۹۹۴؛ برای مثال راجرز و مزلو در نظریه‌های شخصیت خود به خود شکوفایی و تحقق خود تأکید دارند که از بسیاری جهات نشان‌دهنده فردگرایی در فرهنگ غرب است. الگوهای درمانی و ابزارهای سنجش و اندازه‌گیری نیز براساس این نظریه‌ها تدوین شده است؛ بنابراین نظریه‌ها و ابزارهایی که در چارچوب فرهنگ غربی ساخته شده‌اند، نمی‌توانند در فرهنگ‌های شرقی کارایی لازم را داشته باشند (چیونگ، ۲۰۰۴).

نظریه‌پردازان در یکی دودهمه اخیر درباره جهانی بودن و عمومیت داشتن نظریه‌های روان‌شناسی تردید کرده و به بررسی نقشی پرداخته‌اند که فرهنگ بر شکل‌گیری شخصیت و ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری افراد دارد (دویری، ۲۰۰۶؛ چیونگ و همکاران، ۲۰۱۱؛ چیونگ، ۲۰۰۹). فرهنگ شامل آداب، رسوم، هنجارهای اجتماعی، شیوه زندگی و باورهای مشترک افراد است که در تجربه تاریخی اقوام و ملل شکل می‌گیرد (راتجی^۷، ۲۰۰۹). پل پدرسون^۸ یکی از کسانی است که به دیدگاه چندفرهنگی به مثابه نیروی چهارم در روان‌شناسی. پس از رویکردهای روان‌تحلیلگری، رفتارگرایی، انسان‌گرایی و شناختی. توجه کرده است (پدرسون، ۱۹۹۹). او می‌گوید: تفاوت‌های

1. Azuma, H.
2. Madsen, O.
3. Cheong, H.
4. Dwairy, M.
5. Triandis
6. Earley, P.
7. Rathje, S.
8. Pedersen. P.B.

بین‌فرهنگی ضرورت عرضه رویکرد فرهنگ‌محور در زمینه روان‌شناسی را نشان می‌دهد و بنابراین لازم است تا در زمینه موضوعات مختلف روان‌شناسی مثل شخصیت، رشد، خانواده، اختلالات و بیماری‌های روانی و سنجش آنها نظریه‌های فرهنگ‌محور و متناسب با شرایط فرهنگی جوامع تدارک دیده شود.

یکی از پیش‌فرض‌های اصلی رویکرد فرهنگی به روان‌شناسی این است که ویژگی‌های روان‌شناختی افراد تا حدود زیادی به باورها و ارزش‌هایی بستگی دارد که افراد در فرهنگ خود یاد می‌گیرند. پونتو^۱ و همکاران (۲۰۰۱) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که موضوعات روان‌شناسی می‌بایست در جوامع مختلف براساس ویژگی‌های فرهنگی افراد بررسی شوند. همزمان با رویکرد فرهنگی، علاقه زیادی به مطالعات روان‌شناسی از منظر دینی پدید آمده است (جینسن^۲، ۲۰۲۱). در سال‌های اخیر روان‌شناسان کوشیده‌اند از ظرفیت منابع دینی (اسلام، بودیسم، یهودیت و مسیحیت) در پژوهش‌های خود استفاده کنند؛ برای مثال کلاکستون (۱۹۹۰)، نیسانکا (۱۹۹۳)، سیلوا (۱۹۹۱)، استالکر (۲۰۰۸)، فوتول و سیگیل (۲۰۱۳)، سیگال (۲۰۱۲)، برازیر (۲۰۱۲)، شونین و همکاران (۲۰۱۳) با بهره‌گیری از ظرفیت منابع دینی به توصیف و تبیین موضوعات مختلف روان‌شناسی پرداخته‌اند؛ همچنین لیانگ (۲۰۱۲)، زینتا و نیجی (۲۰۱۶)، دویری (۲۰۰۶ و ۲۰۱۰)، خوش‌طینت (۲۰۱۲) و مورینتونو (۲۰۱۶) در پژوهش‌های مختلف هریک تلاش کرده‌اند شخصیت، رشد، بهنجاری و نابهنجاری را براساس مبانی و اصول دینی مفهوم‌سازی کنند. در حال حاضر پژوهش‌های روان‌شناختی زیادی وجود دارد که بنابر مبانی دینی انجام شده است. وجه مشترک همه این تحقیقات تأکید بر ناکارآمدی روان‌شناسی موجود و نیاز به نسخه‌ای از روان‌شناسی متناسب با ارزش‌ها و باورهای دینی است. روان‌شناسی یهودی، روان‌شناسی مسیحی، روان‌شناسی بودایی و روان‌شناسی اسلامی ذیل این رویکرد قرار می‌گیرند (جانسون و واتسون^۳، ۲۰۱۲؛ حق^۴ و همکاران، ۲۰۱۶).

با این حال، یکی از زمینه‌هایی که بیشترین پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده، روان‌شناسی اسلامی است (اسکینر^۵، ۲۰۱۹). پیشینه روان‌شناسی اسلامی به دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ برمی‌گردد. در این دوره اندیشمندان مسلمان به این فکر افتادند که اگر بتوانند علم دینی را

1. Ponterotto, J.G.

2. Jensen, L.A.

3. Johnson, E. L. & Watson, P.

4. Haque, A.

5. Skinner, R.

با همان توانایی‌های علم جدید پدید آورند در این صورت زمینه برای اعاده مجد و عظمت ازدست‌رفته مسلمانان از نو فراهم خواهد شد. با این انگیزه در پاکستان، مصر و مالزی تلاش‌هایی از سوی برخی اندیشمندان مسلمان انجام شد. نخستین بار احمد فؤاد الاهوانی در مقدمه کتاب الدراسات النفسیه عندالمسلمین والغزالی بوجه خاصه در سال ۱۹۶۲ اصطلاح روان‌شناسی اسلامی را به کار برد (شجاعی، ۱۴۰۲: ۴۹). پس از آن بسیاری پژوهشگران تحت‌تأثیر وی و با الگوبرگشتن از این کتاب به تحقیق و پژوهش در زمینه روان‌شناسی اسلامی پرداختند (الکرم، ۲۰۱۸). شرقاوی جزء نخستین کسانی بود که با نگارش کتاب نحو علم النفس الاسلامی در سال ۱۹۷۶ به موضوعات روان‌شناسی اسلامی پرداخت. از این مهم‌تر پژوهش‌های عثمان نجاتی درباره روان‌شناسی اسلامی بود. وی در دو کتاب خود با عنوان القرآن و علم النفس والحديث النبوی و علم النفس که به ترتیب در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۸ منتشر شد، روان‌شناسی اسلامی را وارد دانشگاه‌ها و مراکز علمی کرد. در سال ۱۹۸۸ کتاب دراسات فی علم النفس الاسلامی اثر محمود بستانی منتشر شد. در همین زمان، معروف زریق که مجذوب کارهای عثمان نجاتی در زمینه روان‌شناسی اسلامی شده بود، پژوهش‌هایی را در این زمینه آغاز کرد و نتایج آن را در سال ۱۹۸۹ در مجموعه‌ای با عنوان علم النفس الاسلامی به چاپ رساند. محور اصلی این پژوهش‌ها موضوعات روان‌شناختی بر مبنای آیات و روایات بود.

تا این زمان هنوز دقیقاً مشخص نبود که روان‌شناسی اسلامی باید چه سمت و سویی را در پیش گیرد. از دهه‌های پایانی قرن بیستم، پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی وارد مرحله جدیدی شد. دو تن از پژوهشگران به نام‌های عزالدین توفیق و لطفی شربینی نقش اساسی را در این زمینه داشتند. توفیق نتایج تحقیقات خود را در مجموعه‌ای با عنوان الآفاق اللتی یفتحها القرآن الکریم للبحث النفسی در سال ۱۹۹۳ منتشر کرد. وی مهم‌ترین هدف این کتاب را تفسیر علمی آیات قرآن کریم برشمرد. وی در سال ۱۹۹۸ کتاب التأسیل الاسلامی للدراسات النفسیه را که هدف آن پایه‌گذاری اسلامی پژوهش‌های روان‌شناختی بود در اختیار علاقه‌مندان به روان‌شناسی اسلامی قرار داد. وی بر این باور بود که روان‌شناسی اسلامی نسبت به روان‌شناسی معاصر گسترده‌تر است و می‌تواند همه ابعاد و سطوح پدیده‌های روانی را پوشش دهد. اگرچه علاقه اصلی پژوهشگران در این دوره پایه‌گذاری روان‌شناسی اسلامی و تألیف و تدوین کتاب‌های روان‌شناسی با رویکرد اسلامی بود، ولی به دلیل نبود روشمندی، مشخص نبود

مرز میان اخلاق و روان‌شناسی و از همه مهم‌تر عدم بهره‌مندی از یک پشتوانه قوی در دولت‌ها و حکومت‌ها، روان‌شناسی اسلامی ثبات و کارایی لازم را نداشت. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که با قیام مردم و به رهبری امام خمینی رحمته‌الله شکل گرفت، تحول بزرگی را در ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور پدید آورد و دستاوردهای زیادی را در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دانشی به همراه داشت که در نوع خود بی‌سابقه بود. یکی از حیطه‌هایی که تحت تأثیر انقلاب اسلامی و فضای به وجود آمده در ایران رشد شتابنده‌ای یافت روان‌شناسی اسلامی بود. گرچه پیش از انقلاب اسلامی در ایران پژوهش‌هایی در برخی موضوعات روان‌شناسی با رویکرد اسلامی انجام شده بود، ولی پژوهشی به طور منسجم درباره روان‌شناسی اسلامی وجود نداشت. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش انقلاب اسلامی در رشد و تحول روان‌شناسی اسلامی در عرصه ملی و بین‌المللی انجام شده است.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. این روش در جایی کاربرد دارد که محقق دخالتی در موقعیت، وضعیت و نقش متغیرها نداشته و آنها را دستکاری یا کنترل نمی‌کند، بلکه آنچه وجود دارد بررسی کرده، و به توصیف و تشریح آن می‌پردازد. از نظر حافظ نیا (۱۳۸۹: ۷۱) در این روش افزون بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله یا موضوع پژوهش و ابعاد آن نیز می‌پردازد.

یافته‌های پژوهش

براساس یافته‌های این پژوهش، رویکرد فرهنگ‌محور و انقلاب اسلامی در ایران دو جریان مهم و تأثیرگذار در پدیدآیی و تحول روان‌شناسی اسلامی به شمار می‌روند. رویکرد فرهنگ‌محور خاستگاه روان‌شناسی اسلامی است که با انگیزه اسلامی‌سازی علوم انسانی در دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ به اجرا گذاشته شد. دستاورد این دوره آن بود که افزون بر مشخص شدن چارچوب‌های کلی روان‌شناسی اسلامی، پژوهش‌های فراوانی عمدتاً به دوزبان عربی و انگلیسی انجام شد. در ایران تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، پژوهش قابل‌توجهی در زمینه روان‌شناسی اسلامی انجام نشده بود. برخی از کارهای انجام‌شده نیز بسیار پراکنده و سطحی بود؛ در واقع پیشینه روان‌شناسی اسلامی در ایران به سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌گردد (اعرافی، ۱۳۷۸: ۸۸).

برای پی بردن به نقش انقلاب اسلامی در رشد و تحول روان‌شناسی اسلامی و کارهای انجام شده در این زمینه باید به روند اسلامی‌سازی علوم انسانی در ایران اشاره کرد. همزمان با تغییرات بنیادی در نظام سیاسی کشور، گروه‌های مختلفی از افراد با عنوان «ستاد انقلاب فرهنگی» گرد هم آمدند تا تلاش‌هایی را برای اصلاح نظام آموزشی کشور و تعیین سرفصل دروس رشته‌های مختلف براساس مبانی اسلامی انجام دهند؛ در نتیجه کار گروه‌های حوزه‌های علمی از جمله پزشکی، فنی و مهندسی، علوم پایه، کشاورزی، علوم انسانی و هنر تشکیل شد. از بین گروه‌ها وظیفه کارگروه علوم انسانی از همه دشوارتر بود؛ به‌ویژه اینکه اختلاف نظرهایی نیز بین اعضای گروه در معنای اسلامی‌سازی و فرایند آن وجود داشت. پیشنهاد حضرت امام رحمته‌الله علیه به کارگروه علوم انسانی این بود که در حوزه علمیه ظرفیت‌های خوبی وجود دارد و شما باید با همکاری افرادی از حوزه زمینه بومی‌سازی علوم انسانی و اسلامی شدن دانشگاه‌ها را فراهم کنید؛ در پی این پیشنهاد و پس از ارتباط اعضای ستاد انقلاب فرهنگی با حوزه علمیه، طرحی برای همکاری مشترک حوزه و دانشگاه از سوی آیت‌الله مصباح یزدی تهیه و مورد تصویب ستاد انقلاب فرهنگی قرار گرفت. اجرای این طرح نیز به عهده آیت‌الله مصباح یزدی گذاشته شد که تجارب خوبی در «مؤسسه در راه حق» داشت (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۴).

اگر بتوان تاریخی را برای تأسیس روان‌شناسی اسلامی در ایران تعیین کرد، این تاریخ سال ۱۳۶۱ با شروع به کار دفتر همکاری حوزه و دانشگاه خواهد بود. فعالیت‌های این دفتر، نخستین تلاش نظام‌مند در جهت تبیین موضوعات علوم انسانی و از جمله روان‌شناسی براساس مبانی اسلامی به شمار می‌رود. کارگروه روان‌شناسی این دفتر، نخست یک سری سمینارهایی را برگزار کرد که مضمون آنها در قالب ۳۳ جزوه درسی آماده شد و در اختیار کلیه دانشگاه‌های کشور و صاحب‌نظران حوزه روان‌شناسی قرار گرفت (شجاعی، ۱۴۰۲: ۵۳).

چند سال بعد، گروه روان‌شناسی اثر نخست خود با عنوان مکتب‌های روان‌شناسی و نقد آن (جلد ۱ و ۲) را در سال ۱۳۶۹ منتشر کرد. هدف اصلی از انتشار کتاب یادشده، افزون بر بررسی و نقادی مبانی نظری مکتب‌های روان‌شناسی، ظرفیت‌سازی برای روان‌شناسی اسلامی بود. اثر مهم بعدی در این باره، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی (جلد ۱ و ۲) بود که از سوی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۷۴ منتشر شد. در این دو کتاب به دیدگاه اسلام درباره موضوعات روان‌شناسی اشاره و متناسب با موضوعات گوناگون به آیات و روایات

استدلال شده است. در دهه ۱۳۸۰ با ارتقا و تغییر نام دفتر همکاری، نخست به پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سپس به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، روند فعالیت‌های روان‌شناسی اسلامی شتاب و عمق بیشتری به خود گرفت. بخشی از نیروهای دفتر همکاری در سال ۱۳۶۸ با راه‌اندازی مجموعه‌ای به نام بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع)، افزون بر فعالیت‌های آموزشی به فعالیت‌های پژوهشی در زمینه‌های مختلف علوم انسانی و از جمله روان‌شناسی اسلامی پرداختند. با گسترش فعالیت‌های این مجموعه در سال ۱۳۷۴، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) راه‌اندازی شد.

همزمان با فعالیت‌های دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، برخی از دانشگاهیان و دانشگاه‌ها نیز به تحقیق و پژوهش در زمینه روان‌شناسی اسلامی پرداختند. بعدها مراکز مختلفی به این منظور راه‌اندازی شد: مؤسسه علمی-فرهنگی دارالحدیث، دفتر مطالعات اسلامی در بهداشت روانی وابسته به انستیتو روان‌پزشکی تهران و موسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی، برخی از مراکز مهم و تأثیرگذار هستند که با برگزاری دوره‌های آموزشی، همایش‌های علمی (در سطح ملی و بین‌المللی)، کارگاه‌های آموزشی و اجرای طرح‌های پژوهشی به روند رو به رشد روان‌شناسی اسلامی کمک کردند. به تازگی در بسیاری مراکز حوزوی و دانشگاهی دوره‌های آموزشی روان‌شناسی اسلامی برگزار می‌شود. براساس شواهد موجود نقش انقلاب اسلامی در پیشرفت روان‌شناسی اسلامی بسیار چشمگیر بوده است. آثار انقلاب اسلامی در این پژوهش مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. براساس تحلیل‌های انجام‌شده ابعاد تأثیر انقلاب اسلامی درباره روان‌شناسی اسلامی را می‌توان در پنج بُعد یا محور اصلی دسته‌بندی کرد (شکل ۱).

نخستین بُعد تأثیر انقلاب اسلامی بر روان‌شناسی اسلامی کارکرد انگیزشی^۱ آن است. هیچ کاری بدون انگیزه صورت نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی انگیزه فعالیت در زمینه روان‌شناسی اسلامی را به وجود آورد. تأثیرات انگیزشی انقلاب اسلامی در جدول ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱: ابعاد تأثیر انقلاب اسلامی در رشد و توسعه روان‌شناسی اسلامی

جدول ۱: دستاورد انگیزشی انقلاب اسلامی در توسعه و پیشرفت روان‌شناسی اسلامی

محورها	شواهد و کارکردها
بیداری اسلامی در سطح منطقه‌ای و جهانی	با پیروزی انقلاب اسلامی و استقلال حاکمیت سیاسی در ایران، این تصور به وجود آمد که اگر بتوان علم دینی یا اسلامی را با همان توانایی‌های علم جدید پدید آورد، آنگاه زمینه برای اعاده مجد و عظمت از دست‌رفته مسلمانان از نو فراهم خواهد شد؛ در این صورت خواهیم توانست بدون نیاز به علوم غربی در مسیر رشد و تعالی گام برداریم. با این هدف، اسلامی‌سازی علوم انسانی از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مطرح شد و در سال‌های اخیر تولید علم دینی در زمینه‌های مختلف به عنوان یکی از اهداف کلان و راهبردی در جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و علاقه شدید بسیاری از محققان را برانگیخته است.
خودباوری علمی	در گذشته اساتید و دانشجویان رشته روان‌شناسی به دلیل سلطه غرب بر دانشگاه‌ها و مراکز علمی به نوعی احساس حقارت و خودکم‌بینی علمی مبتلا بودند. فکر می‌کردند نظریه‌ها و پژوهش‌های روان‌شناختی باید از غرب و از سوی دیگران انجام شده باشد. منابع اسلامی و فرهنگی خود را نادیده می‌گرفتند؛ با انقلاب اسلامی این احساس حقارت تا حدود زیادی از بین رفت و اساتید و دانشجویان رشته روان‌شناسی برای نخستین بار درصدد بازگشت به ارزش‌های اسلامی و نظریه‌پردازی و پژوهش براساس منابع اسلامی برآمدند.
ایجاد حساسیت اسلامی در فعالیت‌های روان‌شناختی	گرایش به انتخاب موضوعات و عناوین اسلامی در پژوهش‌ها (کتاب، مقاله، پایان‌نامه و رساله دکتری) از دیگر آثار انقلاب اسلامی است؛ بدین دلیل در بیشتر مراکز آموزشی وقتی در پایان عنوان «اسلامی» نداشته باشد به راحتی تأیید نمی‌شود.
علاقه‌مندی به میراث فرهنگی گذشته و آثار اندیشمندان مسلمان	در تاریخ روان‌شناسی مانند بسیاری از رشته‌های علمی از افلاطون، ارسطو و فلاسفه و دانشمندان غربی به عنوان پایه‌گذاران اصلی و کسانی یاد می‌شود که دانش روان‌شناسی با تأثیرپذیری از افکار و اندیشه‌های آنان به ثمر رسیده است؛ تأثیر فلاسفه یونان باستان در ساخت‌دهی افکار بشر و نقش دانشمندان مغرب زمین در توسعه و پیشرفت رشته‌های علمی از جمله روان‌شناسی بر کسی پوشیده نیست، ولی این موجب نمی‌شد که نقش دین و متفکران مذهبی و به‌ویژه اندیشمندان مسلمان را در پیشینه روان‌شناسی نادیده بگیریم. در طول چند دهه، این باور به وجود آمد که در منابع اسلامی و آثار اندیشمندان مسلمان (کندی، فارابی، غزالی، ابن‌سینا و...) نیز به موضوعات روان‌شناسی پرداخته شده است.

در آغاز و برای شروع فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی، مهم‌ترین اثر انقلاب اسلامی بر روان‌شناسی اسلامی ایجاد انگیزه در دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور بود؛ نه تنها در سطح ایران بلکه در سطح منطقه‌ای و جهانی، انقلاب اسلامی موجب بیداری اسلامی شد. اساتید و دانشجویان در گذشته به دلیل سلطه غرب بر دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور به نوعی احساس حقارت و خودکم‌بینی مبتلا بودند. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران روحیه

خودباوری در دانشجویان و اساتید دانشگاه تقویت شد. به مرور زمان علاقه‌مندی به میراث فرهنگی گذشته و آثار اندیشمندان مسلمان در زمینه روان‌شناسی اسلامی نیز پدید آمد. یکی دیگر از ابعاد و زمینه‌هایی که تحت تأثیر انقلاب اسلامی پیشرفت کرد، تولید محتوا در زمینه روان‌شناسی اسلامی بود. در این زمینه کارهای انجام شده پیش از انقلاب اسلامی بسیار اندک بود. پس از انقلاب و در اثر تحولات علمی که در ایران اتفاق افتاد، پژوهش‌های زیادی درباره روان‌شناسی اسلامی انجام شد و در قالب کتاب، مقاله، مصاحبه و گفتگوی علمی در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت (رک: ترجمی اصل و همکاران، ۱۴۰۱). جدول ۲، برخی پژوهش‌ها و محتواهای تولید شده در زمینه روان‌شناسی اسلامی را نشان می‌دهد.

جدول ۲: دستاورد انقلاب اسلامی در اجرای پژوهش‌ها و تولید محتوای روان‌شناسی اسلامی

نویسنده	عنوان پژوهش، کتاب، مقاله	سال ارائه/انتشار
سرزندی	مواردی چند از وجوه افتراق بین روان‌شناسی اسلامی و روان‌شناسی غربی	۱۳۷۴
یعقوب	به سوی روان‌شناسی اسلامی	۱۳۸۳
لطفی	روان‌شناسی اسلامی: آیا امکان پذیر است؟	۱۳۸۰
حسینی	زیربناهای نظری روان‌شناسی اسلامی، تاریخیچه راه دستیابی	۱۳۸۲
کلانتری و همکاران	ضرورت طرح اندیشه اسلامی در روان‌شناسی	۱۳۸۳
آذربایجانی	کاستی‌های دانش روان‌شناسی در ایران	۱۳۹۱
غباری بناب	ضرورت و چالش‌های اساسی در بومی‌سازی روان‌شناسی در کشور جمهوری اسلامی ایران	۱۳۸۹
سیدمحمد غروی	پاسخ به چند سؤال پیرامون روان‌شناسی و روان‌شناسی اسلامی ^۱	۱۳۶۶
سیدمحمد غروی	پاسخ به چند سؤال پیرامون روان‌شناسی و روان‌شناسی اسلامی ^۲	۱۳۶۷
سیدمحمد غروی	روشنمندی و شرایط تحقیق در روان‌شناسی و خا‌های موجود در تدوین روان‌شناسی اسلامی	۱۳۷۷
سیدمحمد غروی و آذربایجانی	مناسبات روان‌شناسی و علوم اسلامی	۱۳۸۵
آذربایجانی	افق روشن روان‌شناسی اسلامی	۱۳۸۹
احمدی	فطرت بنیان روان‌شناسی اسلامی	۱۳۶۲
فرقانی و همکاران	نگاهی به روان‌شناسی اسلامی	۱۳۹۶
کاویانی	روان‌شناسی در قرآن: مفاهیم و آموزه‌ها	۱۳۹۳
شجاعی	روان‌شناسی اسلامی: مبانی، تاریخیچه و قلمرو	۱۳۹۴
مرعشی	درسنامه روان‌شناسی اسلامی	۱۴۰۰

این آثار تنها برخی از پژوهش‌هایی است که در سایه جمهوری اسلامی و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران انجام شده است. تعداد پژوهش‌ها بسیار بیشتر از اینهاست. در مجموع پژوهش‌های انجام‌شده قلمروهای مختلف روان‌شناسی اسلامی از جمله مبانی نظری، رشد، شخصیت، بهداشت روانی، انگیزش و هیجان، آسیب‌شناسی، خانواده، اختلالات روانی و درمان را شامل می‌شود. در این مدت مقیاس‌ها، بسته‌های آموزشی-درمانی و الگوهای نظری فراوانی با بهره‌گیری از منابع اسلامی در حوزه‌های مختلف روان‌شناسی تدوین شده است که گزارش همه آنها امکان‌پذیر نیست.

نقش انقلاب اسلامی در روند رو به رشد مراکز آموزشی نیز بسیار چشمگیر بوده است. در همه رشته‌ها و گرایش‌های علوم انسانی پیشرفت کمی و کیفی قابل توجهی مشاهده می‌شود. آمارهای ارائه‌شده در این باره بسیار گویاست. در طول این سه تا چهار دهه مراکز و مؤسسات زیادی با هدف ارائه خدمات آموزشی در زمینه روان‌شناسی اسلامی تأسیس و راه‌اندازی شده است. توسعه آموزش روان‌شناسی اسلامی در همه مراکز و نهادهای علمی-فرهنگی کشور چشمگیر و قابل توجه است.

یکی دیگر از کارکردهای نظام جمهوری اسلامی در ارتباط با رشد و توسعه روان‌شناسی اسلامی نقش حمایتی و تسهیل‌گرانه آن است. دولت و نظام جمهوری اسلامی به عنوان یک نهاد بالادستی در سیاست‌گذاری‌های کلان و راهبردی تأثیرگذار بوده است. نتایج این پژوهش چهار محور اصلی را در این زمینه نشان می‌دهد (جدول ۳).

جدول ۳: نقش حمایتی و تسهیل‌گرانه دولت و نظام جمهوری اسلامی

محورها	شواهد و کارکردها
اختصاص بودجه	پیشرفت علمی نیاز به بودجه دارد. اختصاص بودجه برای طرح‌های پژوهشی در زمینه موضوعات و مباحث روان‌شناسی اسلامی یک نقطه عطف مهم به شمار می‌رود؛ همچنین در نظر گرفتن بودجه برای مراکز آموزشی دانشگاه‌ها و ... به منظور برگزاری دوره‌های مختلف مرتبط با روان‌شناسی اسلامی مربوط به دولت است.
تصویب طرح‌ها و برنامه‌ها	نقش دولت در تصویب طرح‌ها و برنامه‌های کلان مرتبط با روان‌شناسی اسلامی، دادن مجوز فعالیت در زمینه‌های مختلف پژوهشی-آموزشی و خدمات مشاوره‌ای و درمانی به صورت مستقیم یا با واسطه به دولت مربوط می‌شود.
سیاست‌گذاری‌های کلان راهبردی	سیاست‌گذاری‌های کلان برای راه‌اندازی، رشد و توسعه بخش‌هایی که در زمینه روان‌شناسی اسلامی کار و فعالیت می‌کنند.

ارائه تسهیلات
برای
پژوهش‌های
داخلی و
فرهنگ محور

تهیه و اجرای طرح‌های بهداشتی. درمانی با رویکرد پیشگیرانه و مبتنی بر منابع اسلامی و ظرفیت‌های فرهنگی، تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی در مباحث و موضوعات مختلف روان‌شناسی، ساماندهی برنامه‌های مشاوره‌ای و خدمات درمانی با استفاده از ظرفیت منابع اسلامی

رشد و توسعه روان‌شناسی اسلامی، نه تنها در ایران بلکه در سطح بین‌المللی قابل توجه بوده است. بسیاری از مقالات و آثار علمی به همایش‌ها و مجلات بین‌المللی راه یافته و مورد توجه مراکز علمی دنیا قرار گرفته است. کارکردهای بین‌المللی^۱ مربوط به روان‌شناسی اسلامی در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: کارکردهای بین‌المللی مربوط به روان‌شناسی اسلامی

محورها	شواهد و کارکردها
چاپ مقاله	چاپ و انتشار مقاله در نشریات و مجلات معتبر بین‌المللی چاپ و انتشار مقاله در مجلات داخلی با رویکرد بین‌المللی و ناظر به مسائل جهانی روان‌شناسی، روان‌شناسی اسلامی و...
اجرای پژوهش‌های مشترک	پژوهش‌های مشترک با روان‌شناسان در کشورهای دیگر در زمینه روان‌شناسی و به ویژه روان‌شناسی اسلامی پژوهش‌های مشترک با مراکز علمی دیگر در زمینه‌های خانواده، آسیب‌شناسی، درمان و...
شرکت در همایش‌ها	شرکت در همایش‌های بین‌المللی و ارائه سخنرانی در موضوعات مختلف با رویکرد اسلامی، ارسال مقاله برای همایش‌های بین‌المللی، مشارکت بین‌المللی در فعالیت‌ها و نشست‌های علمی با رویکرد اسلامی در زمینه روان‌شناسی اسلامی
برگزاری همایش‌های بین‌المللی	برگزاری همایش‌های بین‌المللی با دانشگاه‌ها، مراکز و پژوهشگران دیگر کشورها در موضوعات مختلف مربوط به خانواده، رشد، بهداشت روانی با رویکرد اسلامی (برای نمونه همایش بین‌المللی خانواده و معنویت در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه).
چشم‌انداز بین‌المللی	در سال‌های گذشته نهادها و مراکز با حمایت دولت تأسیس و راه‌اندازی شده است که مأموریت بین‌المللی دارد؛ یکی از این مراکز فعال در روان‌شناسی اسلامی، جامعه المصطفی‌العالمیه است.

فعالیت‌های انجام‌شده در ایران در زمینه روان‌شناسی اسلامی در برخی پژوهش‌ها معرفی شده است؛ یکی از آثار مهم کتاب روان‌شناسی اسلامی در سراسر جهان^۲ است که به سرویراستاری دکتر امیر حق^۳ و دکتر عبدالله رُزمن^۴ و مقدمه دکتر توماس جی پلانت^۵ در هفده فصل و به قلم پژوهشگرانی از کشورهای مختلف از سوی انتشارات انجمن بین‌المللی روان‌شناسی اسلامی با همکاری مراکز علمی سیاتل واشنگتن در سال ۲۰۲۱ منتشر شده

1. International functions
2. Islamic Psychology Around the Globe
3. Amber Haque
4. Abdallah Rothman
5. Thomas G. Plante

است. یک فصل از این کتاب به معرفی روان‌شناسی اسلامی در ایران اختصاص یافته است. مطالعه این کتاب می‌تواند تا حدود زیادی به آشنایی وضعیت روان‌شناسی اسلامی در ایران و تحولات آن در این دوران کمک کند.

براساس یافته این پژوهش، پیشرفت روان‌شناسی اسلامی در ایران یک روند تدریجی بوده است. در آغاز مسئله و دغدغه اصلی پژوهشگران چیستی و امکان روان‌شناسی اسلامی بود. به مرور زمان، جهت‌گیری پژوهش‌ها به سوی مطالعات تطبیقی، مفهوم‌سازی و سرانجام نظریه‌پردازی و مدل‌سازی در موضوعات مختلف روان‌شناسی با رویکرد اسلامی ارتقا یافت. مراحل تحول روان‌شناسی اسلامی پس از انقلاب اسلامی در ایران در جدول ۴ آمده است.

جدول ۵: مراحل رشد و تحول روان‌شناسی اسلامی در ایران پس از انقلاب اسلامی

مراحل	دغدغه پژوهشگران و جهت‌گیری‌های کلان	زمینه‌ها و قلمروهای پژوهش در روان‌شناسی اسلامی
مرحله ۱	امکان و چیستی روان‌شناسی اسلامی	مخالفت با روان‌شناسی اسلامی و تأکید بر این نکته که روان‌شناسی اسلامی بی‌معناست؛ در مقابل عده‌ای دیگر از روان‌شناسی اسلامی طرفداری کرده‌اند. برداشت‌ها و تعریف‌های مختلف از روان‌شناسی اسلامی
مرحله ۲	چگونگی روان‌شناسی اسلامی، تحلیل یافته‌های روان‌شناختی با استفاده از آیات و روایات	شکل‌گیری برداشت‌های مختلف درباره چگونگی روان‌شناسی اسلامی، بازخوانی آثار اندیشمندان مسلمانان مانند ابن‌سینا، ملاصدرا، غزالی و... به عنوان روان‌شناسی اسلامی (علم پیشینی)، تلاش برای تدوین و پایه‌گذاری روان‌شناسی اسلامی براساس مبانی و منابع اسلامی (علم پسینی)
مرحله ۳	انجام مطالعات تطبیقی در روان‌شناسی و منابع اسلامی	در این مرحله پایه‌های اولیه روان‌شناسی اسلامی شکل گرفته، ولی همچنان غلبه بر پژوهش‌های روان‌شناختی رایج است. از یافته‌ها و آموزه‌های اسلامی صرفاً برای توضیح و تأیید استفاده شده است. در مرحله بعد، به تدریج گرایش به انجام پژوهش‌های تطبیقی شکل گرفته و تلاش شده است که موضوعات مختلف نخست در روان‌شناسی بحث شود و بعد ذیل هر موضوع منبع و مستند اسلامی بیاید.
مرحله ۴	مفهوم‌سازی موضوعات روان‌شناسی براساس منابع اسلامی	شکل‌گیری اعتماد به نفس علمی در سطح بالاتر و انجام پژوهش‌های مستقل بدون اینکه به یافته‌های روان‌شناختی پیوست و ضمیمه شود؛ در این دوره تلاش شده است پژوهش‌ها در چارچوب منابع اسلامی و با هدف مفهوم‌سازی‌های جدید با بهره‌گیری از آیات و روایات انجام شود.
مرحله ۵	الگوهای نظریه‌پردازی در روان‌شناسی اسلامی	رشد پژوهش‌ها در زمینه‌های مختلف روان‌شناسی اسلامی + نظریه‌های رشد، شخصیت، آسیب‌شناسی، درمان
مرحله ۶	الگوی جامع روان‌شناسی اسلامی (مکتب روان‌شناسی اسلامی)	تلاش برای تدوین و ارائه یک الگوی جامع از روان‌شناسی اسلامی، مطرح کردن روان‌شناسی اسلامی به عنوان یک رویکرد و مکتب در برابر رویکردهای موجود در روان‌شناسی معاصر، دوزنمایی از روان‌شناسی اسلامی به عنوان یک مکتب (کاوایی، ۱۳۹۷)، پیشنهاد روان‌شناسی اسلامی به عنوان یک رویکرد و مکتب در مطالعات و پژوهش‌های اخیر

بسیاری پژوهشگران توافق دارند که روان‌شناسی اسلامی پس از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی به عنوان یک مکتب یا رویکردی مستقل در برابر رویکردها و مکاتب موجود

روان‌شناسی ارائه شده است (کاویانی، ۱۳۷۹). درمجموع برداشت و نگاهی که در سال‌های اخیر پدید آمده، با نگاه و برداشت سه تا چهار دهه قبل بسیار متفاوت است. حتی اگر نپذیریم که روان‌شناسی اسلامی به عنوان یک مکتب در برابر روان‌شناسی موجود قابل ارائه است، نمی‌توانیم رشد و توسعه روان‌شناسی اسلامی و نقش انقلاب اسلامی را در این باره نادیده انگاریم.

بحث و نتیجه‌گیری

زمینه‌های شکل‌گیری و پیدایش روان‌شناسی اسلامی به دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ برمی‌گردد؛ در این دوره اندیشمندان مسلمان به این فکر افتادند که اگر بتوانند علم دینی را با همان توانایی‌های علم جدید به وجود آورند، در این صورت زمینه برای اعاده مجد و عظمت از دست‌رفته مسلمانان از نو فراهم خواهد شد. با این حال، رشد و توسعه دانش روان‌شناسی اسلامی، به‌ویژه در ایران همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی بوده است. در این پژوهش نقش انقلاب اسلامی از جنبه‌های مختلف بر رشد و توسعه دانش روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. براساس یافته‌های این پژوهش، مهم‌ترین نقش انقلاب اسلامی ایجاد روحیه خودباوری و تسهیل شرایط و امکانات لازم برای آموزش و پژوهش در زمینه روان‌شناسی اسلامی است. در طول این چند دهه آثار درخور توجهی به صورت کتاب، مقاله، طرح پژوهشی در زمینه روان‌شناسی اسلامی ارائه شده و همایش‌های علمی فراوانی برگزار شده است. بخشی از این آثار و تولیدات به جنبه نظری موضوع و بخشی دیگر به جنبه‌های کاربردی آن اختصاص یافته‌اند. از سوی دیگر تحلیل فعالیت‌های صورت‌گرفته در زمینه روان‌شناسی اسلامی از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی بیانگر روند رو به رشد روان‌شناسی اسلامی است. در این پژوهش، شش مرحله از هم متمایز شده است. نخست بحث و گفتگو درباره چیستی و امکان روان‌شناسی اسلامی بود. پس از پیمودن این مرحله جهت‌گیری پژوهش‌ها به چگونگی روان‌شناسی اسلامی و اندکی بعدتر ارائه الگوهای نظری و درمانی منتهی شد. اینک پس از چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی و پیشرفت‌های به عمل آمده برخی پژوهشگران از روان‌شناسی اسلامی به عنوان یک مکتب یا رویکردی در برابر مکاتب و رویکردهای دیگر روان‌شناسی یاد کرده‌اند.

براساس یافته‌های این پژوهش با وجود آنکه پیشرفت روان‌شناسی اسلامی در ایران مثبت بوده و انقلاب اسلامی به توسعه و شکوفایی آن کمک شایانی کرده است، ولی هنوز برای دستیابی به دانش منسجم و ساختارمند با عنوان «روان‌شناسی اسلامی» که مبتنی بر منابع

اسلامی بوده، و پاسخگویی نیازهای جامعه اسلامی باشد، فاصله نسبتاً زیادی وجود دارد. انتظار می‌رود پژوهشگران با درک درست از روان‌شناسی اسلامی و ظرفیت منابع اسلامی در این باره گام‌های بلندی را در جهت نظریه‌پردازی و تحقق روان‌شناسی اسلامی بردارند.

منابع

۱. ترجمی اصل، امین؛ قطب، سید ایمان و محمدرضا سالاری فر. (۱۴۰۱). «مرور نظام‌مند و متاسنتز مطالعات مربوط به چرایی مکتب روان‌شناسی اسلامی»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی. شماره ۳۰. صص: ۱۲۴-۱۰۵.
۲. جمعی از پژوهشگران. (۱۳۶۹). مکتب‌های روان‌شناسی و نقد آن. قم و تهران: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و سمت.
۳. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.
۴. پژوهشکده حوزه و دانشگاه. (۱۳۷۸). حوزه و دانشگاه (کتاب دوم). قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۵. شجاعی، محمدصادق. (۱۴۰۲). روان‌شناسی در قرآن و حدیث (جلد دوم). قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
6. Al-Karam, C. Y. (2018). Islamic psychology: Towards a 21st century definition and conceptual framework. *Journal of Islamic Ethics*, 2(1-2), 97-109.
7. Azuma, H. (1984). Psychology in a non-Western country. *International Journal of Psychology*, 19(1-4), 45-55.
8. Brazier, C. (2012). *Buddhist psychology*. Robinson.
9. Cheong, H. F. (2021). Let the culture speak: how gender is socially/culturally constructed by Western individualism and Eastern collectivism. *Gender, Place & Culture*, 28(2), 299-304.
10. Cheung, F. M. (2004). Use of Western- and indigenously-developed personality tests in Asia. *Applied Psychology: An International Review*, 53, 173-191.
11. Cheung, F. M. (2009). The cultural perspective in personality assessment. In J. N. Butcher (Ed.), *Oxford handbook of personality assessment* (pp. 44-56). New York, NY: Oxford University Press.
12. Cheung, F.M.; van de Vijver, F.J & Leong, F.T (2011). *Toward a New Approach to the Study of Personality*.
13. Claxton, G. (1990). Meditation in buddhist psychology. In M. A. West (Ed.), *The psychology of meditation*. Oxford: Clarendon Press.
14. Coon, H. M. & Oyserman, D. (2001). The measurement of individualism and collectivism. Manuscript in preparation.
15. de Silva, P. (1991). Buddhist psychology: A review of theory and practice. *Current Psychology*, 9(3), 236254-.
16. Stalker, J. (2008). *Christian Psychology*, Hodder and Stoughton, New York and London.
17. Dwairy, M. (2006). *Counseling and psychotherapy with Arabs and Muslims: A culturally sensitive approach*. New York: Teachers College Press, Columbia University.
18. Dwairy, M. (2010). Parental acceptance-rejection: a fourth cross-cultural research on parenting and psychological adjustment of children. *Journal of Child and Family Studies*, 19(1), 30-35.
19. Dwairy, M. A. (2006). *Counseling and psychotherapy with Arabs and Muslims: A culturally sensitive approach*. Teachers College Press.
20. Earley, P. C. (1994). Self or group? Cultural effects of training on self-efficacy and performance. *Administrative Science Quarterly*, 39.
21. Fulton, P. R. & Siegel, R. D. (2013). Buddhist and western psychology: Seeking common ground.
22. Haque, A. & Rothman, A. (Eds.). (2021). *Islamic psychology around the globe*. International Association of Islamic Psychology Publishing.
23. Haque, A., Khan, F., Keshavarzi, H. & Rothman, A. E. (2016). Integrating Islamic traditions in modern psychology: Research trends in last ten years. *Journal of Muslim Mental Health*, 10(1).

24. Jensen, L. A. (2021). The cultural psychology of religiosity, spirituality, and secularism in adolescence. *Adolescent research review*, 6(3), 277–288.
25. Johnson, E. L. & Watson, P. J. (2012). Worldview communities and the science of psychology. In *Research in the Social Scientific Study of Religion*, Volume 23 (pp. 269–283). Brill.
26. Khoshtinat, V. A (2012). Comparison between Islamic Ideology and other Schools Theories about Mental Health and the Impact of Religious and Spirituality on human Psychology and Drug Rejection.
27. Liang, L. (2012). Multiple variations: Perspectives on the religious psychology of Buddhist and Christian converts in the People's Republic of China. *Pastoral Psychology*, 61(5–6), 865–877.
28. Madsen, O. J. (2014). *The therapeutic turn: How psychology altered Western culture*. Routledge.
29. Morimoto, M. (2016). Discussions of the passion play in Oberammergau from the aspect of religious psychology. *International Journal of Psychology*, 51, 973.
30. Nissanka, H.S.S (1993). *Buddhist Psychotherapy: An Eastern Therapeutical Approach to Mental Problems* . Hardcover, South Asia Books
31. Pedersen. P.B. (1999). *Multiculturalism as a Fourth Force*. Philadelphia, PA: Brunner/Mazel.
32. Ponterotto, J.G., Gretchen, D. & Chauhan, R.V. (2001). Cultural identity and multicultural assessment: Quantitative and qualitative tools for the clinician. In L. A. Suzuki, J. G. Ponterotto & A. P. Meller (Eds.), *Handbook of multicultural competencies in counseling and psychology*, pp. 191–210.
33. Rathje, S. (2009). The definition of culture: An application-oriented overhaul. *Interculture Journal*, 35.
34. Segall, S. R. (Ed.). (2012). *Encountering Buddhism: western psychology and Buddhist teachings*. SUNY Press.
35. Shonin, E., Van Gordon, W. & Griffiths, M. D. (2014). The emerging role of Buddhism in clinical psychology: Toward effective integration. *Psychology of Religion and Spirituality*, 6(2), 123.
36. Skinner, R. (2019). Traditions, paradigms and basic concepts in Islamic psychology. *Journal of religion and health*, 58, 1087–1094.
37. Triandis, H. C. (2001). Individualism–collectivism and personality. *Journal of personality*, 69(6), 907–924.
38. Yik, M. S. & Bond, M. H. (1993). Exploring the dimensions of Chinese person perception with indigenous and imported constructs: Creating a culturally balanced scale. *International Journal of Psychology*, 28.
39. Zinta, L. R. & Negi, D. (2016). *Religious Psychology. Conflicts reconciliation through possession of local deities*. New Delhi: Indu Book Services.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی